

کاربست نظریه انقلاب تدا اسکاچپول در مورد انقلاب مشروطه ایران

هاشم آفاجری *

حسین احمدی رهبریان **

چکیده

از آنجا که انقلابها در تاریخ جهان طی سه قرن گذشته بسیار مهم بوده اند، نظریه های گوناگونی در این باره توسط جامعه شناسان تاریخی تبیین شده است و انقلاب مشروطه ایران یکی از نقاط عطف تاریخ ایران است زیرا ساختار سیاسی کشور را تغییر داد و تأثیرات آن تا به کنون وجود دارد. تدا اسکاچپول از جمله جامعه شناسان معاصر در آمریکا است که انقلاب های اجتماعی در آسیا و اروپا را مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی - تبیینی، میزان انطباق مدل اسکاچپول با انقلاب مشروطه را تبیین کند. براساس فرضیه اسکاچپول، انقلاب اجتماعی محصول تلاقی تصادفی عوامل ساختاری است. به نظر وی انقلاب اجتماعی در یک کشور زراعتی و غیر استعماری به وجود می آید و عوامل آن فشار بین المللی به دولت، شورش دهقانی و مشارکت نخبگان حاشیه ای است. در قرن نوزدهم، ایران کشوری زراعتی و غیراستعماری بود و هر سه عوامل مورد نظر اسکاچپول در ایجاد انقلاب مشروطه نقش داشت اما عوامل دیگری همچون شورش های شهری و شرایط نیمه استعماری نیز موثر بود. در واقع فشار بین المللی از جنگهای با روسیه آغاز شد و حکومت قاجار برای تقویت بخش نظامی

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، aghajari@modares.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
hossein_rahbarian@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱



کشور نیازمند درآمد مالی و مالیاتی بود. بنابراین دولت به سیاست های تمرکزگرایانه روی آورد که در پی آن فشار های اقتصادی بر طبقات مختلف ایجاد شد. در واکنش به آن، همه طبقات اجتماعی به نوسازی و اصلاحات اقتصادی دولت اعتراض کردند اما به ثمر رسیدن این اعتراضات به جایگاه و نفوذ و حمایت عوامل خارجی بستگی داشت. انقلاب مشروطه در شرایط ضعف قدرت روسیه و حمایت سیاست مدارانه ی انگلستان از مشروطه اتفاق افتاد ولی با ائتلاف روسیه و انگلیس، قدرت سیاسی طبقات اجتماعی از بین رفت. در نتیجه انقلاب مشروطه منجر به قدرتمند شدن ایران نگردید. بنابراین تطبیق انقلاب مشروطه با نظریه اسکاچپول، در زمینه های انقلاب تقریباً مطابقت دارد اما با پیامدهای انقلاب های اجتماعی مورد نظر اسکاچپول در تضاد است زیرا ایران در شرایط نیمه استعماری قرار داشت.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اجتماعی، نظریه اسکاچپول، دهقانان، استعمار، مشروطه.

۱. مقدمه

درباره تطبیق انقلاب مشروطه ایران با تئوری های انقلاب، پژوهش های اندکی انجام شده است و عمدتاً در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ پژوهش هایی صورت گرفته است در حالی که انقلاب مشروطه، اولین انقلاب ایران و قاره آسیا در قرن نوزدهم محسوب می شود که در آن ساختار سیاسی و اجتماعی ایران تغییرات اساسی کرد. درباره انقلاب های مختلف از جمله انقلاب مشروطه ایران، مدل ها یا فرضیات جامعه شناسان مانند مارکس، وبر، دوتوکویل، چالمرز جانسون، والرشتاین، چارلز تیلی، برینگتون مور و تدا اسکاچپول می تواند مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در میان پژوهش های اخیر؛ نظریه های مارکس، چارلز تیلی و جانسون در رابطه با انقلاب مشروطه مورد بررسی قرار گرفته است و تدا اسکاچپول (theda skacpol) نیز از جامعه شناسان تاریخی معاصر در آمریکا است که نظریه انقلاب های اجتماعی وی در ایران مورد توجه قرار گرفته است. وی در کتاب دولت ها و انقلاب های اجتماعی با نگاهی ساختاری علل و پیامدهای انقلاب های چین، روسیه و فرانسه را مورد بررسی قرار داده است، با اینحال اسکاچپول درباره انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ مقاله ای با عنوان «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، پس از انتشار کتاب «دولتها و انقلاب های اجتماعی»؛ منتشر کرد و در آن مقاله اذعان کرد که انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ به لحاظ نظری در نظریه اش نمی گنجد. در واقع دیدگاه های او در این مقاله دارای سه تغییر و تحوّل عمده است. یکی اینکه به جای جامعه دیوان سالار

کشاورزی محور از عبارت دولت های تحصیل دار استفاده می کند. دوم آنکه به جای شورش های دهقانی به نقش اساسی طبقات متوسط شهری تاکید دارد و سوم اینکه تا حدی از موضع ساختاری و جبرگرایانه خود فاصله می گیرد و در آن تاکید دارد که انقلاب اسلامی آگاهانه توسط یک نهضت اجتماعی ساخته شده است و نقش ایدئولوژی و رهبری را نیز مهم می داند. این در حالی است که بررسی انقلاب مشروطه نسبت به انقلاب اسلامی با مدل اسکاچپول مطابقت بیشتری دارد زیرا شرایط اجتماعی آن با انقلاب های مورد بررسی او یعنی کشورهای روسیه، چین و فرانسه نزدیک تر است و از این جهت شایسته است که نظریه اسکاچپول در مورد انقلاب مشروطه بررسی گردد. بنابراین مساله اصلی پژوهش این است که فرضیه اسکاچپول درباره انقلاب مشروطه مورد آزمایش قرار گیرد. به این ترتیب سؤالاتی از این دست مطرح می شود که آیا عوامل مورد نظر اسکاچپول در وجود آمدن برنامه نوسازی دولت و همچنین انقلاب مشروطه موثر بود؟ واکنش طبقات اجتماعی در مقابل اصلاحات مورد نظر دولت چگونه بود؟ شرایط نیمه استعماری ایران چه اثری در جنبش مشروطه داشت؟ آیا انقلاب مشروطه منجر به قدرتمند شدن ایران و صادر شدن انقلاب گردید؟ و همچنین جایگاه شورش های دهقانی و پیوند آنها با نخبگان حاشیه ای در انقلاب مشروطه چگونه است؟ این پژوهش با روش توصیفی - تبیینی به دنبال آن است که میزان کارآمدی مدل اسکاچپول در انقلاب مشروطه ایران را مورد آزمایش قرار دهد.

۲. مدل اسکاچپول

اسکاچپول در کتاب «دولت ها و انقلاب های اجتماعی» با تفاوت قائل شدن بین انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی در پی آن است که علل وقوع انقلاب های اجتماعی و نتایج و پی آمدهای آنها را بیان کند. از نظر وی یک انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است و در آن منازعات طبقاتی و دهقانی نقش ندارند اما یک انقلاب اجتماعی عبارت است از انتقال سریع و اساسی دولت و ساختارهای طبقاتی یک جامعه که با اغتشاشات طبقاتی از پایین جامعه همراهی می شود (اسکاچپول، ۱۳۹۲: ۵۵). انقلاب های اجتماعی؛ سازمان های دولتی، ساختار طبقاتی و ایدئولوژی مسلط را دگرگون و باعث پیدایش ملل جدیدی می شود که قدرت و استقلال آنها به نسبت قبل بیشتر بوده و به کشورهای دیگر صادر می شود. به طور مثال فرانسه با انقلاب به قدرت

برتر اروپا بدل شد و تمام اروپا تحت تاثیر این انقلاب قرار گرفت و روسیه نیز با انقلاب به ابر قدرت نظامی و صنعتی را تبدیل شد و انقلابش را صادر کرد (اسکاچپول، ۱۳۷۶: ۱۹).

اسکاچپول که از نظریه پردازان ساختارگرا درباره انقلاب است، در کتاب «دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی» ارادی بودن وقوع انقلاب را مردود می‌داند. به این ترتیب «انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند، بلکه به وجود می‌آیند». به نظر او، انقلاب ربطی به تصمیم آگاهانه‌ی افراد ندارد و این تلاقی تصادفی سه شرط بحران سیاسی دولت شکل گرفته از فضای بین‌المللی، شورش از پایین و مشارکت نخبگان حاشیه‌ای است که باعث وقوع انقلاب می‌شود. به نظر وی فرآیند انقلاب و در مقام برخورد با اتفاقات، رهبران انقلابی چاره‌ای جز اتخاذ شیوه‌های نو ندارند. در واقع با قلع و قمع ژان کویسم و لنینیسم و مائو، نقش رهبری و عاملیت در انقلاب‌ها زیر سوال می‌رود. البته اسکاچپول اعتقاد دارد که رهبران سیاسی، نقش به‌ثمر رساندن انقلاب را دارند و احتمالاً آنها همان نخبگان حاشیه‌ای هستند که پس از شورش دهقانی با موج همراه می‌شوند. نکته‌ای دیگری که وی در اینباره اشاره دارد این است که رهبری در سه انقلاب چین، فرانسه و روسیه از میان افراد شاخص تحصیل‌کرده و وابسته به دستگاه اداری و تشکیلاتی حکومت‌های قبل از انقلاب شکل گرفته بود. سوابق رهبران انقلابی به حکومت قبل ارتباط پیدا می‌کرد و بسیاری از آنها خواستار تغییرات و منتقد دولت بودند (اسکاچپول، ۱۳۷۶: ۱۹۸، ۱۹۳، ۱۹۶).

دلیل انتخاب سه کشور روسیه و چین و فرانسه از سوی اسکاچپول به علت اشتراکی است که با یکدیگر دارند. جوامع کشاورزی محور، زیر سلطه استعمار نبودن، تشکیلات متمرکز و روبرو شدن با رقابت بین‌المللی نظامی وجه مشترک این سه کشور است. رقابت بین‌المللی و فشار نظامی آنها را با سه نوع بحران روبرو کرد: عدم توانایی و قدرت دولت مرکزی برای اداره کشور، شورش و طغیان وسیع طبقات پایین جامعه به ویژه روستاییان و کشاورزان و اتحاد و یکپارچگی رهبران گروه‌های سیاسی مختلف. به نظر اسکاچپول نقطه شروع انقلاب ورود یک کشور دیوانسالار کشاورزی محور به رقابت نظامی بین‌المللی است. در واقع بحران‌های انقلابی هنگامی رشد کردند که نظام‌های حکومتی وقت قادر به تطبیق با تحولات فزاینده بین‌المللی در خارج از مرزهای خود نبودند. حکومت‌های سلطنتی در آن زمان در معرض تهدیدهای جدید و رقابتهای شدید از سوی همسایگان قوی و توسعه یافته خود قرار داشتند. گرفتاری‌های حاصل از فشارهای نظام طبقاتی داخل

و تحولات اجتماعی بین‌المللی همه و همه باعث شدند شیرازه نظام حکومتی و ارتش حامی آن از هم پاشیده شود و راه برای تحولات انقلابی که از طبقات پایین جامعه نشأت می‌گرفت، هموار شود (اسکاچپول، ۱۳۷۶: ۶۴). به نظر اسکاچپول، روند اصلاحات در ژاپن و پروس با آنچه در روسیه و فرانسه و چین اتفاق افتاد کاملاً متفاوت بود. فرانسه و چین و روسیه وارد مرحله انقلاب اجتماعی شدند ولی ژاپن و پروس با اعمال یک سلسله اصلاحات از بالا به پایین مانع بروز انقلاب در کشورهای خود شدند. از تفاوت‌های عمده حکومت‌های ژاپن و پروس با حکومت‌های مذکور، نقش کم‌رنگ فئودالها در حاکمیت سیاسی کشور بود. به همین علت، حکومت بدون مقابله و مخالفت جدی با این گروه قدرتمند در جامعه قادر بود دست به اعمال اصلاحاتی بزند که با منافع فئودالها در تضاد بود. همین امر نیز باعث شد تا این دو کشور با بحران‌های جدی انقلابی که اصلاحات و تغییرات پایین به بالا را در پی دارد روبرو نشوند (همان، ۱۳۲). از نظر اسکاچپول پیامد هر سه انقلاب اجتماعی، پیدایش یک ملت - دولت متمرکز، بوروکراتیک و توده‌گیر با توان قدرتمند بیشتری در عرصه بین‌المللی بود. بالخصوص روابط طبقاتی ارضی دگرگون شد و نفوذ اشراف در حکومت مرکزی و بر طبقه دهقانان از بین رفت. در نتیجه نظارت بروکراتیک از بالا و مشارکت مردمی از پایین، هردو افزایش یافت (اسمیت، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

۳. فشار بین‌المللی و چالش‌نوسازی در ایران

فشار بین‌المللی در قرن نوزدهم به دو گونه حاکمان ایران را برای نوسازی تحت فشار قرار داد. یکی از طریق رقابت در تحولات سیاسی و اقتصادی جهان و دیگری وقوع شکست‌های نظامی بود. احمد کسروی در کتاب تاریخ انقلاب مشروطه، بر تکان خوردن دنیا و شکست‌های نظامی ایران از روسیه و انگلیس در بیداری ایرانیان تأکید دارد (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۰). منظور از تکان خوردن دنیا همان تحولات دمکراتیک در مناطق مختلف از جمله در بین همسایگان ایران بود. انقلاب‌های ناتمامی در عثمانی در سال ۱۹۰۸ م. و روسیه ۱۹۰۵ م. روی داده بود و پیش از آن در ژاپن اولین انقلاب مشروطه در آسیا در سال ۱۸۶۸ م. اتفاق افتاده بود. در این میان شکست روسیه تزاری از حکومت مشروطه ژاپن در ایران تأثیر مستقیمی داشت (آفاری، ۱۳۷۹: ۶۱) اما شکست‌های نظامی ایران از روسیه به دوران حکومت فتحعلیشاه باز می‌گشت که پیامدهای آن تا مشروطیت ادامه داشت. در واقع دو شکست پی در پی از روسیه منجر به تضعیف مالی و معنوی دولت قاجار شد.

برای جبران این شکست‌ها فرآیند اصلاحات نظامی آغاز شد اما بار دیگر در مساله هرات، شکست‌های نظامی از انگلیس نصیب ایران شد. بنابراین حکومت قاجار برای جبران شکست‌های نظامی به دنبال اصلاحات اقتصادی بود. تقریباً از دوره ی ناصرالدین شاه، لزوم انجام اصلاحات، مورد اتفاق طبقات اجتماعی و گروه‌های سیاسی بود اما اینکه این اصلاحات از کجا شروع باید کرد چالش جدی حکومت بود. مسلماً منافع صنفی و طبقاتی پنج طبقه؛ دیوانیان، زمینداران، روحانیون، تجار و دهقانان یکسان نبود. در دولت‌های قاجاریه از زمان فتحعلیشاه تا مشروطه، نوسازی‌های مختلفی صورت گرفت که حداقل با یکی از منافع طبقات مختلف در تضاد بود. هر یک از این طبقات دارای قدرت منحصر به فردی بودند. طبقه دیوانیان شامل شاه و شاهزادگان و حکام و درباریان بودند که وظیفه اجرایی و مستقیمی در اداره کشور داشتند. این طبقه یا گروه، قدرتمندترین طبقه محسوب می‌شد. طبقه دوم یعنی زمینداران بزرگ به عنوان شاهان کوچک دارای قدرت زیادی در منطقه خود بودند. طبقه سوم، روحانیون همواره مورد رجوع مردم بودند و به تبع در زندگی عمومی و مدنی مردم دارای نفوذ و اختیارات خاصی داشتند. طبقه تجار و بازاریان با توجه به اینکه وابسته چندان به دولت نداشتند و پیوند خوبی با روحانیون داشتند، نقش مستقلی در تحولات سیاسی در ایران ایفا می‌کردند. طبقه دهقانان، اکثریت جامعه ایرانی را در بر می‌گرفت اما به لحاظ قدرت سیاسی، ضعیف بودند و بار مالیاتی کشور بر دوش آنها بود.

هر چند تفکر اصلاح و نوسازی نظامی از دوره صفویه و افشاریه به وجود آمده بود اما از آغاز دوره قاجاریه با توجه به فضای آشوب و جنگ سراسری که کل اروپا و بخشی از آسیا را پس از انقلاب فرانسه دربرگرفته بود، توسعه و پیشرفت نظامی یک ضرورت جدی تلقی می‌شد. نوسازی‌های نظامی که عباس میرزا در جهت جبران شکست از روسیه در نظر داشت، با مخالفت برخی از شاهزادگان و روحانیون و کارشکنی روس و انگلیس همراه شد. در واقع برخی از شاهزادگان با نوسازی‌های عباس میرزا مخالفت کردند و در این رابطه به دنبال حمایت روحانیون در این رابطه بودند که بعضاً موفق می‌شدند (الگار، ۱۳۵۵: ۱۱۲). محمد شاه نیز با صدارت میرزا آقاسی برای انجام نوسازی به دنبال سیاست تمرکزگرایی و تقویت دولت بود. در زمان صدارت آقاسی، استفاده از لباس متحدالشکل نظامیان مورد تاکید قرار گرفت و همچنین با سپردن دعاوی محاکم شرع به محاکم عرف کوشید که حوزه عمل عرف را گسترش دهد و با از میان بردن بست نشینی به دنبال تضعیف جنبه دیگر قدرت علماء بود (الگار، ۱۳۵۵: ۱۷۲). همچنین برنامه‌های مالیاتی

میرزا تقی خان امیرکبیر با واکنش تیولداران مواجه گشت. آنان مالیات جدید را زیاده ستانی برای تقویت دولت به هزینه ایالات قلمداد می کردند (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۷۰). اصلاحات امیرکبیر گسترده بود و به تبع مخالف طبقات مختلف و همچنین ضدیت انگلیس و روسیه را در برداشت. برنامه اصلاحاتی میرزا حسین خان سپهسالار هم با مخالفت برخی رجال در دربار و دولت و روحانیون و دولت روسیه روبرو شد و در نتیجه امتیاز رویتر که به نوعی دعوت سرمایه داران خارجی در ایران بود لغو گردید (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۶۱). در صدارت امین السلطان نیز امتیاز انحصار تنباکو به یک سرمایه دار انگلیسی داده شد تا از این طریق از یک طرف درآمد دولت افزایش پیدا کند و از سوی دیگر دست دلان و واسطه گران کاهش پیدا کند (براون، ۱۳۷۶: ۴۸). این امتیاز هرچند ظاهراً به نفع طبقه دهقانان بود اما حمایتی از سوی دهقانان صورت نگرفت زیرا این مساله شدیداً مورد اعتراض بقیه طبقات اجتماعی و همچنین دولت روسیه بود. اصلاحات گمرگی نوژ بلژیکی نیز با نارضایتی همه طبقات روبرو شد. اصلاحات نوژ، درآمد دولت را بیشتر می کرد ولی چون این درآمد خرج سفرهای شاه به اروپا بود مورد اعتراض عمومی قرار گرفت. تاسیس مدارس به سبک جدید نیز با مخالفت دربار و همچنین روحانیون روبرو گردید زیرا اقتدار علماء را در امور تعلیماتی کاهش می داد. (آفاری، ۱۳۷۹: ۵۶). بنابراین هر زمان، نوسازی توسط دولت آغاز می شد موج نارضایتی یک یا چند از طبقات را در بر می گرفت. اصلاحاتی موفق بود که بتواند مخالفت کمتری را در پی داشته باشد. براساس نظر اسکاچپول در صورتی که طبقه اشراف قدرت کمتری داشته باشد راه برای نوسازی آسان تر است و در نتیجه انقلاب به معنای تغییر رژیم هم انجام نمی شود. در ایران عصر قاجار، اشراف و زمینداران به علت رقابت های گروهی، در مقابل دولت نمی توانستند اتحاد داشته باشند (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۴۴). در واقع همه طبقات، قدرت شکننده ای در مقابل دولت داشتند و تنها راه پیروزی بر دولت، اتکا به یک عامل قدرتمند خارجی بود. به این ترتیب چنانچه خواسته ای آنها با حمایت سفارت انگلیس یا روسیه همراه می شد، منجر به عقب نشینی دولت می شد.

۴. شورش دهقانی

وضعیت اجتماعی دهقانان در ایران و اروپا تفاوت هایی زیادی با هم دارد ولی به طور کلی طبقه دهقان همواره ضعیف و کم قدرت بوده است. به نظر برینگتون مور (Barrington Moore) که اسکاچپول نظریه اش براساس نظرات او استوار است؛ دهقانان به اندازه صنعت،

عامل انقلاب و تحول تاریخی بوده اند، اما تاثیر انقلابی آنها در همه جا یکسان نبوده است. در واقع در مورد چین و روسیه و فرانسه این تاثیر اساسی و تعیین کننده بود اما در ژاپن، هند، آلمان و انگلیس، دهقانان اهمیتی نداشتند (مور، ۱۳۶۹: ۴۰). بنابراین به نظر می رسد با توجه به فقر مالی دهقانان، تحولات اقتصادی به ندرت اوضاع زندگی دهقانان را تغییر داده است. در واقع، بدتر شدن تدریجی اوضاع اقتصادی را معمولاً دهقانان به عنوان جزیی از وضعیت عادی می پذیرند. (مور، ۱۳۶۹: ۵۶) مور می گوید دهقانان به تنهایی هرگز انقلابی را به انجام نرسانده اند و دهقانان بایستی از میان سایر طبقات رهبرانی برای خود پیدا کنند. (همان: ۶۰) اسکاچپول نیز تحت تاثیر مور به جنبشهای دهقانی اهمیت زیادی می دهد و آنها را در مرحله بسیج همگانی موثر می داند.

در ایران تحمل ظلم از سوی دهقانان روش میانبری داشت، دهقانان صرفاً روستای خود را ترک می کردند و به جای دیگری نقل مکان می کردند زیرا آنان مانند دهقانان اروپایی تحت سیطره فئودالیسم وابسته به زمین نبودند (شاگری، ۱۳۸۴: ۷۹). روستاییان علی رغم اینکه همیشه استثمار می شدند، به ندرت شورش می کردند. آنها به صورت گروهی ارباب خود را ترک می کردند و به ارباب دیگری پناه می بردند (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۴۶). با اینحال در آستانه انقلاب مشروطه، شورش های دهقانی مهمی در برخی از مناطق به خصوص مناطقی شمالی کشور اتفاق افتاد. نقاط شمالی ایران از مراکز پرتب و تاب انقلاب دهقانی بود. روابطی که میان انقلابیون روسیه و ایران برقرار بود به رشد و تحکیم انقلاب در دو سوی کمک می کرد (پناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۳۴). اتحاد دهقانان با شهرنشینان نیز زمانی که دولت با اخذ مالیات ظالمانه یعنی دوبار در یک سال به دهقانان فشار آورد، محکم تر شد و از پرداخت مالیات خودداری کردند و حتی انجمن های محلی تشکیل دادند (پاولویچ، تریا، ۱۳۳۰: ۱۵). در گیلان، همدان و تبریز جنبش دهقانی انسجام بیشتری داشت و به کمک مشروطه طلبان آمد. آنها به وسیله مالکان خود رهبری می شدند ولی از خود قدرت و استقلال نداشتند و به همین دلیل هیچ گاه خواست عدالت اجتماعی و اقتصادی بیشتر برای روستاییان مطرح نشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۰۵). با اینکه در مشروطه تیول داری لغو شد و سلطه زمینداران از دهقانان برداشته شد اما سلطه دولت جایگزین آن شد. در واقع جایگاه دهقانان به لحاظ مالی تفاوت چندانی نکرد با اینحال دهقانان پس از مشروطه نیز در تبریز با ستارخان همکاری کردند و در برپایی دوباره مشروطیت نقش داشتند. بنابراین دهقانان یک سرمایه اجتماعی بزرگی بودند اما مشروطه طلبان از آن بهره

سیاسی زیادی نبردند در حالی که با در نظر گرفتن منافع طبقاتی دهقانان می توانستند در بسیج عمومی و قدرتمند شدن کشور در مقابل بیگانگان بهره ببرند.

۵. نقش نخبگان حاشیه‌ای در انقلاب مشروطه

سومین شرط اسکاچپول جهت سقوط رژیم قدیم، وجود نخبگان حاشیه‌ای است. آنان می‌توانند جنبشهای محلی دهقانی را در سطح ملی سازمان دهند و با سقوط رژیم حاکم، از جمله دولت‌سازان رژیم جدید باشند. پیش از حکومت مشروطه، فضای سیاسی دولت در ایران حالت دو قطبی؛ روسی و انگلیسی بود. همواره در طبقه دیوانیان که بخشی از آن همان نخبگان حاشیه‌ای در نظریه اسکاچپول است، در موارد مختلفی با نوسازی‌های دولت با تحریک عوامل خارجی مخالفت می‌کردند. یک گروه طرفدار روسیه و یک گروه طرفدار انگلیس بود و تحریکات این دو کشور در برپایی و خاموشی جنبشها موثر بود. علماء و روحانیون نیز به عنوان شخصیت‌های مهم غیردولتی از یک سوی جزوی از نخبگان حاشیه‌ای بودند و از سوی دیگر نخبگان حاشیه‌ای دولتی و غیر دولتی را مورد حمایت قرار می‌دادند. بنابراین نخبگان حاشیه‌ای در دولت برای رسیدن به قدرت بیشتر در اتحاد و پیوند با روحانیون و عوامل خارجی بودند. این مساله از زمان نوسازی‌های عباس میرزا آشکار شد. اصلاحات نظامی عباس میرزا با اعزام گاردان فرانسوی به ایران به دستور ناپلئون آغاز شد اما با صلح فرانسه با روسیه در پیمان تیلسیت این برنامه از بین رفت اما عباس میرزا همچنان به دنبال نوسازی نظامی بود که عمده‌تأ شاهزادگان قاجاری برای آنکه عباس میرزا را در جنگ‌های با روسیه تضعیف کنند به دنبال از بین بردن مشروعیت عباس میرزا از طریق علماء و روحانیون با نفوذ بودند. البته عباس میرزا نیز برای جلوگیری از افزایش قدرت برخی از درباریان، مخالف نقش انگلیسها در نوسازی ارتش بود. در زمان محمدشاه نیز نوسازی ارتش با حضور فرانسویان در دستور کار قرار گرفت اما با مخالفت روسیه و انگلیس روبرو شد (تاریخ ارتش نوین ایران، بی تا: ۱۴، ۲۳). بنابراین از یک طرف نوسازی در ارتش تقریباً با مخالفت برخی از نخبگان حاشیه‌ای و عاملین خارجی روبرو بود اما از طرف دیگر نوسازی ضرورتی بود که در دوره ناصرالدین شاه به صورت تدریجی و آرام پیگیری شد. به این ترتیب دولت به جای تغییرات سریع نظامی به دنبال تغییرات آرام و محدود مانند تاسیس مدارس نظامی زیر نظر معلمان روسی را دنبال کرد.

در دوره ناصرالدین شاه، علت برکناری وزیران، مانند میرزا تقی خان امیرکبیر، میرزا آقاخان نوری، میرزا حسین خان سپهسالار و امین السلطان بر اساس همین قطب بندی رجال درباری با حمایت های روسیه و انگلیس بود. به طور مثال با کاهش یافتن حمایت انگلستان از میرزا آقاخان نوری، موجب هماهنگی نزدیکی بین عناصر مخالف در عرصه سیاسی دولت قاجار گردید، که همه بی تاب برای جلب حمایت دول خارجی بر ضد دشمن مشترک خود بودند (امانت، ۱۳۸۳: ۴۶۰). برکناری میرزا حسین خان سپهسالار نیز به علت نارضایتی روس و انگلیس از امتیاز رویترو و همچنین مخالفت برخی از درباریان با او بود (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۵۹، ۳۶۱). جنبش تنباکو نیز براساس مخالفت برخی وزیران مانند امین الدوله و مشیرالدوله و اعتمادالسلطنه و همچنین روسها علیه صدراعظم امین السلطان بود (کدی، ۱۳۵۸: ۱۹). در دربار مظفرالدین شاه نیز اختلاف امین السلطان و حکیم الملک نشأت گرفته از وابستگی به انگلیس و روسیه بود. حکیم الملک وزیر دربار طرفدار انگلیس بود و گفته می شد با حمایت انگلیس به دنبال خلع شاه و جایگزینی شعاع السلطنه بود. پیش از آن اختلاف میرزا ملکم خان و امین السلطان در زمان ناصرالدین شاه در همین چارچوب بود (کسروی، ۱۳۸۵: ص ۳۰، ۳۱ - براون ۱۳۷۶: ۵۰، ۱۰۶ و ۱۱۳). دسته بندی های درباری موجب برکناری امین السلطان شد و به جای او عین الدوله روی کار آمد. در دوره صدارت عین الدوله هم این دسته بندی های نخبگان شدت پیدا کرد. محمد علیشاه ولیعهد به علت اینکه شایعه شده بود که عین الدوله برای جانشینی شاه به دنبال شعاع السلطنه است، به ناچار از مشروطه حمایت کرد. سید عبدالله بهبهانی نیز که از طرفداران اتابک بود به شدت مخالف عین الدوله و طرفدار مشروطه شد (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۸۶، ۱۱۳، ۳۴).

۶. انقلاب مشروطه در شرایط نیمه استعماری

همانطور که پیش از این اشاره شد شکست های نظامی و تحولات دمکراتیک در خارج از کشور منجر به فشار بین المللی جهت نوسازی در دولت قاجار گردید اما یکی از چالش های نوسازی، دخالت عوامل خارجی به خصوص روسیه تزاری بود. قرارداد ترکمانچای بار اقتصادی و سیاسی سنگینی بر دوش دولت قاجار گذاشته بود. یکی از راههای دولتمردان برای مقابله با قدرت و نفوذ روسیه، استفاده از قدرت انگلستان بود. به طور مثال ناصرالدین شاه امیدوار بود که با کمک انگلیس و فرانسه که در آن زمان با روسیه در جنگ های کریمه

در حال نبرد بودند؛ موجب لغو عهدنامه ترکمانچای شود (شمیم، ۱۳۸۹: ۲۱۲). اما از دوره حکومت مظفرالدین شاه، فعالیت روسها در ایران شدت بیشتری پیدا کرد. به طور مثال تجار روسی برای دریافت امتیاز در حوزه استخراج معادن در قراچه داغ با دولت ایران وارد مذاکره شدند و دولت روسیه امتیاز ساخت یک برج دریایی در انزلی را به دست آورد (بویل، ۱۳۸۶: ۲۰۸). در واقع روسها موفق شدند قرارداد های تجاری - گمرکی بسیار سودمندی با حکومت ایران منعقد نمایند و بخش عمده ای از گمرکات شمالی تحت سیطره روسها و بانک استقراضی قرار گرفت. روسها به دنبال بهره گیری از حمایت های مالی بانک استقراضی توانستند حکومت و دربار ایران را تحت نفوذ بگیرند و به تبع آن نیروی قزاق ایران که در واقع منظم ترین قشون فعال کشور بود، تحت سیطره مالی بانک استقراضی قرار گرفت که حقوق خود را مستقیماً از آن بانک دریافت می کرد. این سیاست به حدی کارگر افتاد که انگلیسیها در طی سال های نخست سده بیستم احساس می کردند روسیه تزاری قدرت بلارقیبی در عرصه سیاسی - اقتصادی ایران به دست آورده است و در مقابل آنان قدرت هر گونه عرض اندامی را در مقابل روسها از دست داده اند (شاهدی، ۱۳۸۱: ۱۵۶). در واقع به لحاظ اقتصادی شرایط تغییر پیدا کرده بود به طوری که از سال ۱۸۸۹م. معاملات انگلستان و هند با ایران ۷۵ میلیون و روسها ۵۰ میلیون فرانک بود اما در سال ۱۹۰۲م صادرات انگلیس به معادل ۵۹ میلیون کاهش و صادرات روس به ۹۶ میلیون فرانک افزایش یافت (اوبن، ۱۳۶۱: ۲۳۷). به این ترتیب با توجه به این فضای اقتصادی و سیاسی، نهضت ضد روسی در آستانه انقلاب مشروطه شکل گرفت که عمدتاً با تحریک انگلستان و نخبگان حاشیه ای و یا روشنفکران سوسیالیست تحت تاثیر انقلاب های سیاسی ضد تزار به وجود آمده بود. شورش های دهقانی در شمال کشور تحت تاثیر همین جنبشهای سوسیالیستی بود اما شورشهای شهری عمدتاً با تحریک انگلستان و نخبگان حاشیه ای به وجود آمده بود.

بنابراین بحث دخالت خارجی در روند شورش و قیام های شهری و روستایی موثر بود اما این به معنای وجود کامل استعمار در ایران نبود. یکی از ویژگی های انقلاب ها در کشورهای مورد نظر اسکاچپول، عدم وجود استعمار است. ایران در زمان قاجار مستعمره نبود اما حاکمان قاجاری برای استمرار قدرتشان وابسته به حکومت روسیه و انگلیس بودند و وابستگی به دولت روسیه از عصر ناصری شدت بیشتری گرفته بود. در واقع یکی از موانع نوسازی دولت، رقابت روس و انگلیس بود. به طور مثال وقتی روسها می ترسیدند

که راه آهن در جنوب، انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها را قادر می‌سازد تا ایران را پر از کالا‌های ارزان و مرغوب خودشان کنند و با روسیه به رقابت برخیزند. به همین علت، دولت روسیه تمام قدرتش را به کار انداخت تا در ایران مانند عثمانی از پروژه‌های راه آهن سازی جلوگیری نماید (عیسوی: ۱۳۸۸: ۲۸۰). به همین دلیل انگلیسیها که از سیاست یک جانبه و نفوذ بی اندازه روسیه در دربار ایران راضی نبودند، با نشر و توزیع روزنامه‌های آزادیخواه که در خارج از کشور چاپ می‌شد، حس نفرت به درباریان طرفدار روسیه را بیشتر می‌کردند (مهدوی، ۱۳۸۵: ۳۱۸). در این میان شکست روسیه از ژاپن انعکاس عظیمی در ایران داشت و انقلابات داخلی روسیه و ایجاد دوما‌ی روس از موثرترین عوامل مشروطیت در ایران بود (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۶۰).

در واقع وقتی روسیه در حال جنگ با ژاپن بود، ذخایر مالی و صنعتی و نظامی آنها صرف جنگ با ژاپن شد و دیگر ممکن نبود روسیه بتواند میلیون‌ها روبل در ایران خرج کند یا خود را در خطر زد و خورد با انگلیس افکند به همین دلیل آن دولت به آزادیخواهان فرصت داد تا در منظور خود کامیاب شود (کاظم زاده، ۱۳۷۱: ۴۳۶). به نظر انگلیسیها وقت آن رسیده بود که اوضاع ایران تغییرات اساسی نموده و زمام امور کشور از دست شاه و دولت‌های روسوفیلی خارج شود زیرا انگلیسیها تا پیش از مشروطه در مقایسه با روسیه در کسب امتیازات موفق نبودند. انگلیسیها پیش از این امیدوار بودند که با کشیدن راه آهن بتوانند نفوذ خود را در ایران مستقر کنند اما ساختن راه آهن به تعویق افتاد و قرارداد رژی یک شکست کامل بود. کشتیرانی در رود کارون نیز سودهایی قابل انتظار نداشت و حتی بانک شاهنشاهی قادر به پایداری در برابر رقابت جدی با روسها نبود (کاظم زاده، ۱۳۷۱: ۴۴۰). بریتانیا که در جریان قرارداد تالبوت نقش مخالف با مردم را ایفا کرده بود در جریان مشروطه با گروههایی همچون بازرگانان و روحانیون که خواهان کاهش نفوذ روسیه بودند، متحد شد. خاصه آنکه انگلستان از نظام مشروطه سلطنتی برخوردار بود و به همین دلیل می‌توانست اعتماد مشروطه‌طلبان را جلب کند (فوران، ۱۳۹۲: ۲۷۰). البته همراهی انگلستان با انقلاب مشروطه با منافع و ایدئولوژی آنها سازگاری داشت: به این صورت که هم در عرصه دیپلماتیک بر ضد روسیه پیشروی می‌کرد، که به طور فزاینده دامن‌ه نفوذ خود را دربار ایران گسترش داده بود و هم از آرمان آزادی و دموکراسی جانبداری می‌کرد که آن را وجه مشخصه نظام خود می‌دانست. روشنفکران ایرانی نیز در آن زمان، از همین دیدگاه به نقش انگلیس می‌نگریستند (عیسوی، ۱۳۸۸: ۱۰۴). به همین دلیل در سفارت انگلستان،

تحصن بزرگی به نفع مشروطه شکل گرفت تا فرمان مشروطه صادر شد. البته در این بین روسها از اینکه معترضین به سفارت انگلیس پناهنده شدند ناراضی بود و حتی درصدد بود که به صورت ساختگی چند نفر را در سفارت روس پناهنده سازند تا از این طریق خود را جزو سهم برهای نهضت قرار دهند اما در این مسأله توفیقی به دست نیاوردند. (تفرشی حسینی، ۱۳۵۱: ۳۵).

بنابراین انقلاب مشروطیت یک جنبش ملی بود که می خواست استعمار روس را بیرون راند و سرمایه ملی کشور را تقویت و حمایت کند (مومنی، ۱۳۵۰: ۸). در واقع یکی از عوامل آغاز نهضت مشروطه نفرت مردم از روسها بود. اعتراض مردم به ساختن بانک استقراضی روس به روی قبرستان مسلمانان یکی از جرقه های نهضت مشروطه بود (کسروی، ۱۳۸۵: ۵۶، ۵۷). همچنین پیش از این جنگهای مسلمانان و ارامنه در قفقاز و تحریک و دامن زدن روسها در سال ۱۳۲۲ ق. و کشته شدن بسیاری از مسلمانان، نفرت مردم از آنها را شدت بخشیده بود. به دلیل نفرت مردم از روسها، «انجمن اسلامیه» کوشش کرد از فزونی کالاهای روسی جلوگیری کنند به طوری که حتی مردم در نشست های خود چای روسی نمی دادند (همان: ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۲). بنابراین انقلاب مشروطه در شرایطی روی داد که دولت روسیه از یک سوی مانع نوسازی دولت و منافع طبقات اجتماعی محسوب می شد و از سوی دیگر به تدریج علت مشکلات داخلی در شرایط ضعف قرار گرفت و انگلستان نیز برای نفوذ سیاسی و اقتصادی از مشروطه حمایت کرد.

۷. تطبیق فرضیه اسکاچپول

همانطور که در بخش های قبلی اشاره شد اسکاچپول در تحلیل انقلاب، نگاه ساختاری دارد و به بحث اراده یا عاملیت اعتقاد چندانی ندارد. به نظر می رسد در مشروطه نیز مساله ساختار بیش از عاملیت اثر داشته است. در واقع رهبران مشروطه براساس آنچه که کسروی می گوید از مشروطه آگاهی چندانی نداشتند و در واقع با موج همراه شدند. رهبران روحانی مانند بهبهانی و طباطبایی با حمایت از مشروطه به تقویت دولت و حتی کاهش قدرت روحانیون همراه شدند و کسانی مانند شیخ فضل الله نوری پس از چندی دست از حمایت مشروطه برداشت و تنها با حمایت شاه و شاهزادگان به دنبال مشروطه مشروعه بود که توفیقی نیافت. رهبران غیر دینی مانند ستارخان هم به تدریج حذف شدند و یا مانند تقی زاده وابسته به قدرت های خارجی و یا دولتمردان شدند. بنابراین به نظر می رسد

هیچکدام از رهبران مشروطه توانایی قابل ملاحظه‌ای جهت همراه کردن افکار عمومی با خودشان را نداشتند بلکه برای پیشبرد تفکرات سیاسی خود، با دولتمردان و یا عوامل خارجی همراه می‌شدند.

به نظر می‌رسد که در تحلیل انقلاب مشروطه بخشی از عوامل ساختاری اسکاچپول، کم و بیش در انقلاب مشروطه وجود داشت. در مرحله اول، ایران کشوری کشاورزی محور بود و هنوز جمعیت شهری بر روستاها غلبه نکرده بود. با شکست های ایران از روسیه و انگلیس و پیشرفت صنعتی سریع غرب، فشار نوسازی بر دولت ایجاد شد. نوسازی و پیشرفت نظامی برای دولت ضرورت داشت و این مساله بدون پشتوانه مالی میسر نبود. بنابراین دولت برنامه های مختلفی را برای افزایش درآمد مالی انجام داد اما با واکنش طبقات اجتماعی روبرو شد. شورش های شهری و روستایی با حمایت نخبگان حاشیه ای اتفاق افتاد و دولت را به عقب نشینی وادار کرد و در پایان به انقلاب مشروطه منجر شد. همانطور که مشخص است تقریباً فرضیه اسکاچپول با انقلاب مشروطه مطابقت دارد اما یک مساله مهم در فرضیه اسکاچپول در نظر گرفتن شرایط نیمه استعماری ایران است و همانطور که پیش از این بحث شد نفوذ و قدرت روسیه و انگلیس در رقم زدن وقایع اهمیت به سزایی داشت. وضعیت شبه استعماری ایران در عصر قاجار، نه تنها قدرت مطلق سیاسی و اقتصادی را از دولتمردان گرفت بلکه طبقات اجتماعی هم با تکیه بر عامل خارجی توانایی حرکت اعتراضی گسترده را داشتند. به این ترتیب دولتمردان در راه نوسازی با دو مانع روبرو بودند: یکی طبقات اجتماعی و یکی عامل خارجی. هرگاه منافع طبقات اجتماعی با منافع عامل خارجی همسو بود نوسازی های مورد نظر دولت عقیم می ماند. در آستانه انقلاب مشروطه، شورش های شهری و روستایی با منافع استراتژیک انگلستان علیه روسیه همخوانی داشت در نتیجه انقلاب مشروطه صورت گرفت اما پس از چندی انگلیس با روسیه از قرارداد ۱۹۰۷ به یکدیگر نزدیک شدند و منافع طبقات اجتماعی که در آغاز مشروطه مطرح بود، در سایه مخالفت روسیه و انگلیس کمرنگ شد. به این ترتیب در انقلاب مشروطه، تغییرات خاصی به لحاظ رجال سیاسی در دولت و دربار و حتی در مجلس دوم به بعد به وجود نیامد. قدرت دولت با توجه به تشکیل مجلس شورای ملی و انجمن های ایالتی محدود شد اما چندی نگذشت که اختیارات دولت با توجه به انحلال انجمن های ایالتی و تشکیل نشدن مجلس سنا و تعطیلی طولانی مدت مجلس شورای ملی بیشتر شد. رویکرد تمرکزگرایی منجر به لغو تیول داری شد و قدرت اشراف

و زمینداران کاهش یافت و همچنین این رویکرد، قدرت و اختیارات مدنی روحانیون را به تدریج کاهش داد. با این حال این اقدامات به نفع طبقات اجتماعی نبود زیرا وظایف روحانیون و زمینداران به دولت واگذار شد و در نتیجه به تدریج حمایت قشرهای اجتماعی از مشروطه کاهش یافت. در واقع با پایان جنگ جهانی اول و خروج تدریجی نیروهای نظامی روسیه و انگلیس منجر به غلبه دولت بر طبقات اجتماعی شد به طوری که در دوره حکومت پهلوی، فشرده‌گی نیروهای اجتماعی ایجاد گردید. در این دوره نیروهای اجتماعی زیر فشار دولت قادر به ابراز وجود نبودند (فوران ، ۱۳۹۲: ۳۷۵). در واقع افزایش مالیات ها و درآمدهای نفتی، فاصله بین دولت و مردم را بیشتر کرد و این روند در دهه های بعدی با توجه به درآمدهای بی سابقه نفتی و دیگر مواد خام طبیعی بیشتر از قبل نیز گردید.

۸. نتیجه گیری

ایران در قرن نوزدهم عمدتاً در روستاها سکونت داشتند و عموم مردم به امور کشاورزی مشغول بودند. ایران کشوری مستعمره نبود اما با شکستهای نظامی در مقابل روسیه و انگلیس به کشوری وابسته تبدیل شد و تحت فشار بین المللی دست به اقدامات مختلفی جهت نوسازی و تقویت دولت انجام داد. بر اساس نظریه اسکاچپول، کشور کشاورزی محور بر اثر فشار بین المللی ناچار به انجام نوسازی است. اگر دولتمردان تحت نفوذ اشراف باشند هزینه نوسازی را به جای طبقه اشراف باید دهقانان بپردازند و در نتیجه با مخالفت و شورش دهقانان و حمایت نخبگانی حاشیه ای از دهقانان روبرو خواهند شد که این منجر به انقلاب اجتماعی می شود اما اگر اشراف در حکومت نفوذ نداشته باشند نوسازی و اصلاحات با فشار به اشراف به آسانی صورت خواهد گرفت.

همانطور که اشاره شد ایران در زمان قاجار یک کشور زراعتی بود و بر اثر شکست های نظامی به دنبال نوسازی بود. هزینه اصلاحات را همه طبقات را در بر می گرفت و طبقات اجتماعی ایران به تنهایی و با اتحاد یکدیگر توانایی مبارزه با نوسازی های دولت را نداشتند. نوسازی های که دولت در نظر داشت در جهت تقویت دولت و به زیان طبقات مختلف بود. براساس برنامه های دولت، دهقانان و زمینداران و تجار باید مالیات بیشتری می دادند و موجب و اختیارات برخی از علماء و درباریان و شاهزادگان نیز کمتر می شد. در این بین، اعتراض تجار و بازرگانان و شاهزادگان و زمینداران بزرگ با توجه به اینکه بعضاً تحت حمایت عوامل خارجی قرار می گرفتند می توانستند دولت را تحت فشار قرار دهند. فشار

مالی به دهقانان نیز منفعت خاصی برای دولت نداشت زیرا دهقانان فقیر بودند و آنها برای رهایی از فشار مالیاتی متوسل به زمینداران قدرتمند و یا نخبگان حاشیه ای می شدند. به همین دلیل نوسازی و اصلاحات مورد نظر دولت با ناکامی همراه بود. دولت پس از این ناکامی ها، فشار بیشتری را از سوی طبقات اجتماعی به روی خود احساس کرد. در واقع انقلاب مشروطه نیز با توجه به فشار های همزمان بین المللی و نخبگان حاشیه ای و همچنین شورش های روستایی و شهری در کانون رقابت روسیه و انگلیس شکل گرفت. با توجه به ضعف روسیه، دولت انگلستان از مشروطه حمایت کرد تا قدرت سیاسی روسیه را کاهش دهد اما چندی از مشروطه نگذشت که با ائتلاف روسیه و انگلیس علیه مشروطه، دستاوردهای قشرهای اجتماعی به تدریج از بین رفت. بنابراین شکل گیری و یا سرکوب جنبش های اجتماعی در عصر قاجار با توجه به شرایط نیمه استعماری قابل تحلیل است به همین علت پیامد انقلاب مشروطه در ایران، به نفع طبقات اجتماعی نبود و برخلاف پیامدهای انقلاب های اجتماعی مورد نظر اسکاچپول، انقلاب مشروطه ایران به کشورهای دیگر صادر نشد و قدرت دولت با وجود بیشتر شدن اختیارات نسبت به قبل ضعیف تر و وابسته تر شد.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۱)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، اندیشه ترقی و حکومت قانون؛ عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی.
- اسکاچ پل، تدا (۱۳۸۲)، دولت تحصیلات و انقلاب شیعی در ایران، مجله مطالعات راهبردی، دوره ۶، ش ۱۹.
- اسکاچ پل، تدا (۱۳۷۶)، دولتها و انقلاب های اجتماعی، ترجمه سید مجید رویین تن، تهران: سروش.
- اسمیت، دنیس (۱۳۹۲)، برآمدن جامعه شناسی تاریخی، ترجمه سید هاشم آقاجری، تهران: مروارید.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- امانت، عباس (۱۳۸۳)، قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، نشر کارنامه.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، ایران امروز، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- براون، ادوارد (۱۳۷۶)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهی قزوینی، تهران: کویر.
- بویل، ج.ا (۱۳۸۶)، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه تیمور قادری، جلد ۷، تهران: امیرکبیر.

کاربست نظریه انقلاب تدا اسکاچپول در مورد انقلاب مشروطه ... ۱۷

- پاولویچ، م؛ تریا، ایرانسکی (۱۳۳۰)، انقلاب مشروطیت ایران و ریشه های اجتماعی و اقتصادی آن ، ترجمه م. هوشیار ، تهران : چاپخانه نقش جهان .
- پناهی سمنانی، محمد (۱۳۷۶)، ستارخان سردار ملی، تهران: کتاب نمونه.
- تاریخ ارتش نوین ایران از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، (بی تا)، به کوشش اداره سوم ستاد بزرگ ارتشستاران ، تهران :چاپخانه ارتش.
- تفرشی حسینی، احمد (۱۳۵۱)، روزنامه اخبار مشروطیت ، تهران : امیرکبیر .
- تقی زاده، حسن (۱۳۷۹)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ، تهران : انتشارات فردوس.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴)، پیشینه های اقتصادی سیاسی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسال دموکراسی در آن عهد، تهران: اختران.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۱)، تاریخ بانک استقراضی روس در ایران، تهران : مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۹)، ایران در عصر قاجار، تهران : بهزاد .
- عیسوی، چارلز (۱۳۸۸)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران : گسترده.
- فوران، جان (۱۳۹۲)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران : رسا.
- کاظم زاده، فیروز (۱۳۷۱)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری ، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کدی، نیکی (۱۳۵۸)، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، تهران : فرانکلین.
- کسروی، احمد (۱۳۸۵)، تاریخ مشروطه ایران، تهران : امیرکبیر.
- الگار، حامد (۱۳۵۵)، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه ابوالقاسم سری ، تهران: توس.
- مهدوی ، هوشنگ (۱۳۸۵)، تاریخ روابط خارجی ایران ، تهران : امیرکبیر .
- مور، برینگتون (۱۳۶۹)، ریشه های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی (نقش ارباب و دهقان در پیدایش جهان نو) ترجمه حسین بشیریه، تهران : مرکز نشر دانشگاهی.
- مومنی، باقر (۱۳۵۰)، ایران در آستانه انقلاب مشروطیت ، تهران : صدای معاصر .
- همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۵)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.